

نویسنده
تیئری روبرشت

گدگ
که از
کتاب
بیدون
افشار

تصویرگر
گریگوار مییر

مترجم
دینا کلباسی



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

کتابخانه‌ی زویی پر بود از کتاب، آن قدر پر که یک روز
کتابی ازش پرت شد پایین و گرگ داستان ما هم از
آن افتاد بیرون.

گرگ این کتاب خیلی ترسناک بود، موجودی سیاه با
دندان‌های خیلی تیز که تک و تنها آمده بود توی
اتاق زویی، اتاقی غریب و ناشناخته.
گرگ قصه‌ی ما حسابی ترسیده بود.



